

نوع زندگی امامان معصوم‌علیهم‌السلام را می‌توان چنین تقسیم بندی کرد

۱. ساده زیستی، به هنگام حکومت‌داری.
۲. ساده زیستی در وضعی که بیشتر مردم فقیر باشند.
۳. زندگی متوسط در وضعی که اقتصاد جامعه در سطح خوبی بود و آنان حاکم نبودند.
۴. دوری از زندگی مرفه و تجملات، در هر حال.

یکی از زهد فروشان عصر امام صادق علیه‌السلام، سفیان ثوری بود. وقتی در مسجدالحرام، امام‌صادق علیه‌السلام را با لباس‌های زیبا دید، نزد حضرت رفت و گفت: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین لباسی را نپوشید؛ همچنین علی علیه‌السلام و پدران و چنین لباسی بر تن نکردند. امام علیه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در عصری بود که فقر و تنگ‌دستی، همه‌جا را فرا گرفته بود. ایشان نیز براساس وضع زمان خود، چنان لباس می‌پوشید؛ ولی دنیا بعد از آن عصر، نعمت‌هایش را در همه جا فرو ریخت و شایسته‌ترین افراد برای بهره‌مندی از این نعمت‌ها، نیکان هستند (بگو چه کسی نعمت‌های زیبایی خدا و روزی‌های پاک را که بر بندگانش آشکار نموده، حرام کرده است؟) ما سزاوارتر به بهره‌مندی از عطایای خداوند هستیم. سپس امام علیه‌السلام لباس زیرین خود را که خشن بود بر سفیان آشکار کرد و فرمود: «لباس خشن را برای رام کردن نفس خود پوشیده‌ام و لباس ظاهر را گریز از بندمایی نزد مردم پوشیده‌ام». با این حساب، در شیوه زندگی امامان علیهم‌السلام تضادی وجود ندارد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام که حکومت را در اختیار داشتند، ساده زیستی را رعایت می‌کردند؛ همچنین به سبب وضع زمان هم اگر بیش‌تر مردم در تنگ‌دستی و فقر بودند، باز ساده زیستی را رعایت می‌کردند. ولی هر گاه حکومت را در اختیار نداشتند و وضع عمومی میشت مردم خوب بود، شیوه زندگی متوسط را در پیش می‌گرفتند زهد و پارسایی به معنای پشت پا زدن به دنیا و دوری از مواهب آن نیست؛ بلکه به معنای اسیر نشدن و عدم دل‌بستگی به زرق و برق دنیا و عبودیت و دل‌بستگی به امور معنوی و تقرب به خداست. امام علی علیه‌السلام فرمود: زهد در دوجمله از قرآن آمده است: «بر آن‌چه از دست شما رفته، انده‌گین نشوید و به سبب آن‌چه به شما داده است، شادمانی نکنید»^۱

غفلت از ارزش‌های واقعی

روزی ابوحنیفه که با امام صادق علیه‌السلام میانه خوبی نداشت، به خانه حضرت آمد. امام علیه‌السلام بر عصا تکیه داده بود. ابوحنیفه گفت: این عصا چیست؟ با این‌که سن و سال شما به حدی نرسیده که عصا به دست بگیرید؟ امام فرمود: «آری، نیازی به عصا ندارم؛ ولی چون یادگار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و از حضرت باقی مانده، می‌خواهم به آن تبرک بجویم». ابوحنیفه عرض کرد: اگر می‌دانستم عصای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است، بر می‌خاستم و آن را می‌بوسیدم. غفلت تا چه اندازه که او از فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم غافل است و می‌خواهد به عصای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خود را متبرک کند. افراد بسیاری در زندگی خود، حضور امام را نادیده می‌انگارند و تنها به آثار و لوازم حضور، توجه و افتخار می‌کنند؛ غافل از آن‌که تمامی آن‌ها به خاطر حضور امام است؛ به ویژه افرادی که همواره به دنبال امام غایب عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌گردند، به دنبال آثار و لوازم حضرت هستند. در واقع زمانی را که برای دست یافتن به چنین مواردی صرف می‌کنند، برای یافتن امام خود صرف نمی‌کنند. یکی از بزرگان می‌فرمود در صحرای عرفات، به یکی از دوستان برخورد کردم. به من گفت: کجایی؟ ملت‌هاست به دنبال تو هستیم که اگر به دنبال امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بودم، او را یافته بودم. من هم بر او عتاب



کردم و گفتم: پس بی‌خود به دنبال من بودی. ابوحنیفه به جای این‌که فرزند رسول خدا را که امام مردم است، احترام کند، به عصای رسول خدا احترام می‌کند و به جای توجه به واقعیت‌ها و انجام وظیفه، به بی‌راهه می‌رود. از همین‌رو، امام علیه‌السلام به او فرمود: «ای نعمان، می‌دانی موی دستم، موی رسول خداست و پوست دستم پوست حضرت است، ولی به سبب عناد آن را نمی‌بوسی؟»^۲

نماز اول وقت

امام رضا علیه‌السلام زمانی که در خراسان می‌زیست، فرقه‌های گوناگونی برای مناظره حاضر می‌شدند و امام با آنان بحث و مناظره داشتند. در یکی از این مجالس، یکی از افراد قوی در مباحث فلسفی، درباره توحید با امام به بحث پرداخت. بحث و مناظره به اوج خود رسیده بود که ناگاه امام علیه‌السلام فرمود: وقت نماز فرا رسید.

مرد گفت: آقا، دنباله بحث و پاسخ مرا قطع نکن. بنشین بعد از پایان بحث، برای نماز برو! دلم نرم شده و آماده پذیرش...

امام فرمود: «نماز می‌خوانیم و باز می‌گردیم». بعد از این جمله، امام با همراهان برخاست و نماز را خواند و پس از اقامه نماز به مجلس بازگشت و بحث را ادامه داد.

این سخن از امام ششم معروف است که فرمود «شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد». برخی در تحلیل این سخن گفته‌اند: ترک نماز، موضوع این روایت نیست؛ چراکه چنین شخصی کافر است؛ بلکه نماز اول وقت خواندن مراد است که اگر کسی آن را بی‌جهت سبک بشمارد و نسبت به نماز بی‌مبالات باشد، به شفاعت امام نمی‌رسد.

محافظت بر نماز، از جمله وصایای بزرگان دین ماست. مرحوم آقای قاضی رحمه‌الله از عرفای نامی شیعه می‌فرمود: «اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان محفوظ می‌ماند». مرحوم علامه طباطبایی رحمه‌الله و آقای بهجت نیز از ایشان نقل می‌کنند که می‌فرمود: «اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد، مرا لعن کند».

صرفه‌جویی

عباسی می‌گوید: به محضر امام رضا علیه‌السلام رفتم و درباره شیوه خرج کردن در خانه نسبت به همسر و فرزندان پرسیدم؛ فرمود: «به گونه‌ای باشد که بین دو مکروه - سخت‌گیری و زیاده‌روی - قرار گیرد». عرض کردم: منظورتان از این سخن چیست؟ فرمود: «آیا سخن خدا را در قرآن نشنیده‌ای که زیاده‌روی و سخت‌گیری را ناپسند می‌شمرد و می‌فرماید: و کسانی‌اند که چون اتفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این‌دو روش، حد وسط را بر می‌گزینند»

امام صادق علیه‌السلام در پاسخ شخصی که کم‌ترین حد زیاده‌روی را از ایشان پرسید، فرمود: «بخشش لباسی که مورد نیاز برای حفظ پوست، به دور ریختن ته مانده آب ظرف... همه این امور، زیاده‌روی است».

از همین رو بود که وقتی غلامان امام رضاعلیه‌السلام میوه می‌خوردند و نیمه‌خورده آن‌را دور می‌ریختند، امام ناراحت می‌شد و می‌فرمود: «سبحان الله! اگر شما به این میوه‌ها نیاز ندارید، انسان‌هایی هستند که نیاز دارند؛ چرا دور می‌ریزید، آن‌ها را نگه دارید و به نیازمندان بدهید».

پی‌نوشت‌ها:

۱. محمد بن یعقوب کلینی رحمه‌الله، اصول کافی، ج ۶، ص ۴۴۲

۲. ترجمه مرحوم محمد دشتی رحمه‌الله، نهج‌البلاغه، ص ۷۳۴، حکمت ۲۳۹

۳. حدید: آیه ۲۳

۴. محمد تقی مجلسی رحمه‌الله، بحارالانوار، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۲۲۲.